

رویا ناصری (طراح عروسکها و عروسک گردان مامان):

با چالش بسیار به مینیمالیسم در اثر رسیدیم

شمارا بیشتر بشناسیم.

ورودی سال ۸۰ دانشکده هنرهای زیبا در رشته تئاتر عروسکی هستم. پس از فارغ التحصیلی مشغول به عروسک گردانی تلویزیونی شدم که از سال ۹۳ با استاد خانم مرضیه محبوب همکار شدم در کار شهر موش های ۲، کلاه قرمزی های ویژه نوروز، سینمایی خاله قورباغه و سری اول برنامه مهمونی حضور داشتم. کار ویژه ساخت عروسک خودم بیشتر برای تیزرها بود تا اینکه خانم محمودی برای این اثر دوباره از من خواستند تا درست مانند ۲۰ سال پیش که رویای سگی را کار کرده بودیم همکاری کنیم.

سبک این عروسکها و چالشی که در طراحی آنها داشتید چه بود؟

حقیقتش سر ساخت عروسک و برای اینکه تعیین کنیم برای این اجرا چه نوع عروسکی مناسب است چالش زیادی داشتیم و ساعاتهای زیادی با الهام محمودی صحبت کردیم تا به تکنیک ماروت رسیدیم که ترکیب انسان و عروسک است. همینطور مناسب یک نمایش عروسکی بزرگسال می باشد. علاوه بر این یک عروسک دیگر هم داریم که حرکات فانتزی دارد. سر طراحی عروسکها صورت مادر و پسر هم چالش زیادی داشتیم اینکه چه حسی را القا کنند و به نوع می شود گفت که در طول تمرین این عروسکها متولد شدند. این عروسکها که ترکیبی از انسان عروسک هستند بدین شکل هستند که سر را یک عروسک گردان می گرداند و دستهای عروسک هم دست انسانی هستند و یا توسط دست انسان بازی داده می شوند حتی ما در ابتدا برای عروسکها دست ساخته بودیم ولی در نهایت به این نتیجه رسیدیم که دست انسانی داشته باشد. یکی از چالشهای ما این بود که این عروسکها نمی توانند حرکات زیادی روی صحنه داشته باشند و اینگونه شد که خانم محمودی از نور استفاده کردند و فضا سازیها را از طریق نور انجام دادند. عروسک کوچک هم تاپ تیبیل و پشت به تماشاگر بود و چالشی دیگر داشت که جذابیتش برای تماشاگر از دست نرود که خانوم محمودی با میزانشن ها و بازیهایی که به عروسک گردانها دادند این بخش از چالش زندگی عروسکها به بالا رفتن از یک صخره بود را به نمایش در آوردند. ما چالشهایی داشتیم در این رابطه که به دستهای عروسک میله بزنیم یا خیر. یا اینکه در ابتدا دستها به صورت کشسانی طراحی شده بودند ولی بعد، از این ایده هم گذر کردیم. در واقع مسیر زیادی برای مینیمالیزه کردن اثر طی شد.

در مورد متر بال عروسکها بگویید.

عروسک تئاتر را تقریباً با هر متر بالی می توان کار کرد، عروسکهای تلویزیونی را با اسفنج کار می کنند و روی آن متر بالهای متنوع استفاده می کنند تا تصویر یک دست و تمیزتری به ما بدهد اما در تئاتر تقریباً با هر متر بالی می توانید کار کنید برای این اثر چون نیاز داشتیم به اینکه بدن انسانی باشد و حرکات نرم، انسانی و رئال داشته باشد هم در بدن و هم در صورتها از اسفنج استفاده کردیم.

مرجان نامور آزاد (عروسک گردان):

هر عروسک چالشی جدید است

شمارا بیشتر بشناسیم.

در سالهای قبل از انقلاب که ۸ سالم بود به دیدن نمایش حسن و خانم حنای آقای کشاورزی در سالن اصلی تئاتر شهر رفتم و از آنجا گفتم که می خواهم شغل آینده ام این باشد. در دانشگاه رشته تربیت بدنی را خواندم و بعدها شاگرد آقای نصرت الله کریمی که پدر عروسکی ایران نامیده می شوند بودم. همینطور دخترشان خانم ماندانا کریمی که در محضرشان عروسک گردانی و عروسک سازی را آموختم. بعد از آن با همکاری آقای کریمی در تولید تیزرهای رشد کودک، آلوده و پاکیزه و... که همزمان به آموزشهایم بود حضور داشتم و بدین شکل وارد حرفه تئاتر عروسکی شدم.

یک عروسک گردان باید به چه تواناییهایی مجهز باشد؟ عروسک گردانی مجموعه ای از همه هنرهایی است که در اطراف مان می بینیم. یادم هست که آقای کریمی

و اکنون گوینده رادیو و تلویزیون هستند اشاره کنم که در روزهای آخر به ما ملحق شدند. من در ابتدا می خواستم که صدای یک خانم مسن را روی شخصیت مادر بگذارم ولی بعد دیدم که این صدایا به یک یختگی خاص دارد و لازم است که شخص تکنیک صدای پیشگی را بلد باشد. از ایشان درخواست کردم و این صدا هم بسیار دیده شد و در جشنواره نیز کاندید جایزه شد. بخش نور ما را رضا خضری که از بچه های خود تئاتر شهر هستند انجام دادند.

ایشان قصه را بسیار دقیق متوجه شده و درک کردند و با نورهای گرم، سرد، زاویه دار و شکسته ای که در اثر استفاده کردند در القای حس و ارائه قصه به اثر کمک کردند. طراح دکور اثر امیر زاغری بود که طراح صحنه سینما هستند و پس از گفتگو فراوان با ایشان به این حالت مینیمال در طراحی صحنه رسیدیم که بتواند همه آنچه را که می خواهیم بگوید و در عین حال سادگی اثر حفظ شود. از لایبرنت و مازی که در صحنه می بینید بگیرید تا صدای مادر که برایش مانند یک خانه کاملاً مجهز است و تمام جزئیاتی که مربوط به آن صدای است و حکایت از زندگی مادر و رفتارهای او دارد در همین روند طراحی شد.

از نقش موسیقی در این اثر و سازنده موسیقی کار بگویید. موسیقی یک بخش مهمی از کار ما را تشکیل می داد. آقای حامد سلج محمودی که دانش آموخته موسیقی در دانشگاه هنرهای زیبای تهران هستند موسیقی کار را ساختند. ما در جلسات متعدد در مورد موسیقی اثر صحبت کردیم و چالش زیادی داشتیم. موسیقی این نمایش به نظرم کاراکتر خاصی دارد. مثلاً در صحنه تنهایی مادر که دیالوگی وجود ندارد و صرفاً موزیک است اصرار داشتیم که موسیقی خیلی ملموس و واقعی باشد و جالب اینجاست که ایشان ملودی را به صورت بداهه نواختند و بسیار تأثیر بر انگیز است. این مطلب را مخاطبان به ما می گویند. همینطور در موسیقیهایی که در بخش صخره و ماز وجود دارد به ریتمی رسیدیم که ضرب آهنگ زندگی این پسر را به ما نشان می داد. آقای پارسا شمالی هم در بحث آهنگسازی با آقای محمودی همکاری کردند و ساخت موسیقیهای جانبی و کارهای دیگر را انجام دادند و در نهایت به بافتی رسیدیم که حال و هوای کار را نشان می دهد.

دیالوگهای کاراکترها به صورت پلی یک ارائه می شود از علت این انتخاب بگویید.

ما به خاطر اینکه تمرکز عروسک گردانها در بیشترین حدش باشد این انتخاب را کردیم. در ابتدا شیوه پلی یک را انتخاب نکرده بودیم ولی بعد دیدیم که سخت است که عروسک گردانها در عین حال که این عروسکها را بازی می دهند دیالوگ بگویند و تمرکزشان به هم می ریزد و به نظرم وقتی صدا به صورت قدرتمندی از پیش ضبط شده و فراهم شده روی عروسک می نشیند تأثیر بیشتری هم بر مخاطب دارد از آنجایی که این نمایش هم یک اثر احساسی است و باید صدا در آن کنترل شده می بود.

چه افقی برای خودتان در تئاتر عروسکی بزرگسال متصور هستید؟

چند شب پیش دانشجویان ترم یک دانشگاه پارس به صورت گروهی آمده بودند تا کار را ببینند و واکنش بسیار جالبی داشتند و برایشان سوال برانگیز بود که ما چگونه این کار را انجام داده ایم و می گفتند که نگاهشان به تئاتر عروسکی تغییر کرده است. اینکه یک دانشجویی که تازه وارد این رشته شده می آید و کاری را می بیند که می تواند ذهنیتش را تغییر دهد و به او امید دهد که می توان در این عرصه کارهای متفاوت و خلاقانه ای غیر از کارهای تلویزیونی و کودک داشت و تئاتر می تواند آنقدر جوابگو باشد برای من کافیست. اینکه بتوانم نگاه کسی را تغییر بدهم به نظر من به هدفم رسیده ام.

سخن پایانی

من از شما و در واقع از همه خواهشی دارم که کمک کنید تا این کار دیده شود و مخاطبان با نمایش عروسکی بزرگسال آشنی کنند. جدای از اینکه کار خوب است و نظر مخاطبین را جلب کرده و حرفی برای گفتن دارد کمک کنید تا این اتفاق خوش یمن آشنی و آشنایی مردم با تئاتر بزرگسال عروسکی رخ دهد. وقتی تقاضا بالا برود خود به خود عرضه هم رخ خواهد داد تا سالنهای تئاتر شهر برای دیدن نمایش عروسکی بزرگسال هم پر شوند.

از من خواستند در زمینه موسیقی، قالی بافی، نقاشی، مجسمه سازی و چند حرفه دیگر آموزش ببینم و پس از آن عروسک گردانی را به من آموختند چرا که به عنوان یک عروسک گردان مثلاً باید موسیقی را می شناختم تا بتوانم حرکات عروسک را بر اساس آن تطبیق بدهم تنها چیزی که نیاز به آموزش دوباره آن نبود تربیت بدنم بود چون در این رشته تحصیل کرده بودم.

در این اثر چه چالشهایی با عروسکها داشتید؟

هر عروسک چالش جدیدی است چرا که هر عروسک یک شخصیت جداست که به احتمال زیاد هیچ شباهتی به شخصیت خود من ندارد. وقتی من عروسک را در دست می گیرم و صدایی که رویش می آید باعث می شود تبدیل به فرد دیگری شوم و فقط در این حالت است که می توانم عروسک را به موجود زنده ای تبدیل کنم که دیگران باورش کنند.

چالش عروسک گردانی در تئاتر به نسبت سینما و تلویزیون چیست؟

در تئاتر شما اجازه خطا ندارید وقتی که دو یا سه نفر باید برای جان دادن به یک عروسک یک وجود واحد را تشکیل دهیم شانس خطا کردن در میان نیست. ما باید جوری با سیستمهای ذهنی یکدیگر هماهنگ شویم تا بتوانیم همزمان یکدیگر را درک کنیم بدون اینکه یکدیگر را ببینیم.

علی باروتی (عروسک گردان و صدا پیشه):

شخصیت پسر از زیست خودم دور نیست

ورود شما به دنیای نمایش عروسکی چگونه بود؟

من از سال ۸۰ و از تالار هنر فعالیت حرفه ای تئاتر مرا بخصوص در زمینه کودک و با کارهای آقای رضا عبدالعلی زاده شروع کردم بعدها از طریق کار کودک با کارهای عروسکی آشنا شدم و در این فیلد با افرادی مانند خانم انصاری، آقای غریب پور و آقای پاکدست که همگی صاحب سبک و استاد هستند همکاری کردم.

در شکل دادن به لحن و صدای پسر بیشتر کدام ویژگیها را مورد توجه قرار دادید؟

پسر از لحاظ صدا و تیپ شخصیتی از خودم دور نیست و از آنجایی که چند سال پیش پدر و مادر خودم را هم از دست داده بودم و تجربه این چینی داشتم از نظر حسی و ادراکی به نقش نزدیک بودم.

چه مدت درگیر تمرینات این اثر نمایشی بودید؟

ما از شهریور پار سال تمرینات را آغاز کردیم و می شود گفت یک سال و نیم است که این تمرینات ادامه داشته کار در این یک سال و نیم هم از لحاظ طراحی صحنه و هم عروسک و عروسک گردانی و دیالوگها تغییرات زیادی داشت.

در بخشهای مختلف نمایش عروسکی حضور داشته اید آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

فکر می کنم این اتفاق نادری برای یک بازیگر و بازی دهنده است. چون همزمان در کانون پرورش فکری یک کار عروسکی کودک دارم که اثر رامین کهن است و در تئاتر شهر هم به کار عروسکی بزرگسال روی صحنه می برم. واژه نمایش عروسکی را به هر کسی که می گوید در ابتدا نمایش کودک یا عروسک دستکشی به ذهنش خطور می کند فکر می کنم که این مسئله باید متداول شود، باید به نمایش عروسکی پرداخت بیشتری شود، از لحاظ جذب مخاطب که مادر نمایش مامان موفق بودیم و مخاطبان زیادی داشتیم که تاکنون هیچ وقت نمایش عروسکی ندیده بودند. فکر می کنم در این سالها در مجموعه تئاتر شهر هر ۵، ۶ سال یکبار یک اثر تئاتر عروسکی بزرگسال روی صحنه رفته است. با تغییر این سیاستگذاریها به رشد و متداول شدن تئاتر عروسکی بزرگسال کمک خواهد شد.

سخن پایانی

رویگرد کلی تئاتر خیلی به سمت مسائل گنگ و پیچیده پیش رفته و مسائل اجتماعی، احساسی و رفتاری کمتر مورد توجه قرار گرفته که فکر می کنم باید بیشتر به این بعد از دغدغه های انسانی پرداخته شود. فقدان و از دست دادن را همه انسانها در زندگی تجربه می کنند به خصوص پس از گذراندن دوران کرونا که ما را با مرگ بیشتر آشنا کرد. در نهایت امیدواریم همه مشکلات تئاتر حل شود.